

خشونت منافقین در فضای مجازی



جزایری پس از عملیات پلیس آلبانی علیه کمپ اشرف ۳ گروهک تروریستی منافقین، بسیاری از حساب‌های کاربری منافقین در شبکه‌های اجتماعی غیرفعال شده است. براساس یافته‌های به‌دست‌آمده، میانگین کامنت‌های صفحه‌ایران اینترنشنال با کاهش ۴۳درصدی نسبت به ۱۰ روز قبل از آن روبه‌رو شده است. کامنت‌های بی‌بی‌سی فارسی هم در این مدت ۳۱درصد کاهش داشته است. این آمار نشان دهنده فعالیت شدید گروهک منافقین در فضای مجازی است، اما این گروه در فضای مجازی از چه مکانیسمی استفاده می‌کند؟

فحاشی، تمسخر، جسارت بدون مسئولیت و احساس سرمستی از لایک‌ها و کامنت‌ها. کمی جست‌وجو در فضای مجازی به‌خوبی نشان می‌دهد که صدها اکانت به‌صورت روزانه در حال ترویج مفاهیم خشونت‌آمیز و نفرت برانگیز هستند، اکانت‌هایی که‌ازسویی مروج ناامیدی و یأس بوده و ازسوی‌دیگر افراد را ترغیب بهفحاشی برای تخلیه‌روانی خودمی‌کند. هرچند برخی از این کامنت‌ها شخصی بوده و جریانی پشت آن‌ها قرار ندارد، اما در این میان اکانت‌های زیادی هستند که به‌صورت سازمان‌دهی شده و هدفمند اقدام به‌ترویج خشونت می‌کنند. این اکانت‌ها درکنار انتشار مفاهیم نفرت برانگیز، راهکارهایی را نیز برای خشم کلامی، بدون نگرانی ازمسئولیت اجتماعی به‌مخاطبان خود می‌آموزند. گروهک تروریستی منافقین در میان گروه‌های مختلفی که‌در فضای مجازی این اقدامات را انجام می‌دهد، نقش پیشرو را داشته است، به‌طوری‌که این گروهک در چند وقت اخیر بیشترین نقش را در ترویج خشونت در فضای مجازی ایفا کرده است. اما منافقین چگونه در فضای مجازی خشونت را ترویج می‌کنند و افراد را به‌بازی می‌گیرند؟

بر اساس اظهارنظر برخی از افراد دجاشده از منافقین مانندابراهیم خداینده، این گروهک در چندسال اخیر بر حجم فعالیت‌های خود در فضای مجازی افزوده است، به‌طوری‌که اخیرا فقط هزار دستگاه رایانه به‌منظور توسعه فعالیت‌های مجازی این سازمان در آلبانی در اختیار آن‌ها قرار گرفته است. این عضو سابق منافقین گفته‌است افرادی که‌دربخش مجازی فعالیت می‌کنند، دست‌کم دارای ۱۰ اکانت بوده‌و ازاین طریق سعی می‌کنند تا برای منافقین نیرو جذب کنند. م‌روزی بر اکانت‌هاویست‌های منافقین در فضای مجازی نشان می‌دهد که این سازمان افراد را تشویق به‌ایجاد اکانت‌های غیررسمی و بی‌نام‌و‌نشان کرده‌است تا از این طریق مسئولیتی متوجه آن‌ها نباشد. پژوهش‌های روان‌شناسی نشان می‌دهد که در بیشتر جوامع زمانی که هویت افراد مخفی می‌ماند، ترس از مسئولیت اجتماعی و عواقب بی‌توجهی به‌آن توسط افراد از بین رفته است و کنش‌های بدون سنجش عواقب افزایش می‌یابد. این اقدام سبب می‌شود تا به‌افرادی که‌دچار سرخوردگی‌های مختلف هستند، با اظهارنظرهای بی‌پروا احساس قدرت دست بدهد. منافقین برای جذب چنین افرادی اقدام به‌ایجاد اکانت‌های مختلفی می‌کنند و در آن‌ها پست‌هایی پر از الفاظ رکیک و خشونت‌آمیز می‌گذارند. معمولاً بلافاصله بعد از گذاشتن این گونه پست‌ها افراد دیگر این گروهک با اکانت‌های مختلف این پست‌ها را لایک کرده‌و زیر آن‌ها کامنت‌های تندتر و رکیک‌تری را می‌گذارند. در چنین مواردی وقتی فردی غیر از سازمان، زیر این پست‌ها کامنت بگذارد، هرچه مطلب او تندتر و حاوی الفاظ رکیک‌تر باشد، بیشتر لایک می‌خورد و زیر آن کامنت‌های تعریف و تمجید گذاشته می‌شود. ازسوی‌دیگر اگر فردی کامنتی غیر از آنچه هدف سازمان است، زیر پست‌ها بگذارد، مورد هجمه گروهی اعضای منافقین قرار می‌گیرد و انواع الفاظ رکیک به‌او نسبت داده می‌شود. باین‌حال این نکته را باید در نظر داشت که فقط هدف گروهک منافقین از ترویج چنین پست‌هایی، جذب اشخاص به‌صورت فردی نیست، بلکه این گروهک درصدد است با توسعه و تشویق مفاهیم خشونت‌آمیز، هویت توده‌ای به‌خشونتگری بدهد. دستیابی به چنین هدفی سبب می‌شود تا هویت فردی افراد در بلوک هویتی شکل‌گرفته توسط منافقین گم‌شود و رفتارشان، رابه‌هویتی که منافقین ارائه می‌دهند، تقلیب‌دهند. در چنین شرایطی بسترهای لازم برای ایجاد خشونت عملی توسط افراد فراهم می‌شود. درواقع وقتی افراد بدون هویت تشویق به استفاده از مفاهیم رکیک و خشن شده و در قبال آن نه تنها تنبیه بلکه تشویق نیز می‌شوند، این کار اجازه می‌دهد که برای کسب اعتبار بیشتر به‌خشونت شدیدتری دست بزنند. معمولاً در چنین شرایطی منافقین سعی می‌کنند تا از این طریق لیدرهایی خود در فضای مجازی و حقیقی به‌این خشونت‌ها جهت‌داده و افراد مستعد حرکات خشونت‌آمیز را به‌سوی اهدافی که‌ازپیش تعیین کرده‌اند، سوق دهند. به‌عنوان مثال در فضای مجازی همه را ترغیب به‌ترور شخصیت خاصی می‌کنند. درکنار این مسئله باید توجه کرد که ساده‌سازی خشونت می‌شود. این گروهک به‌آن نیز توسط منافقین در فضای مجازی ترویج می‌شود. این گروهک با این اقدام به‌دنبال این است تا حساسیت اجتماعی از این‌گونه اقدامات را کاهش دهد تا بتواند در آینده وقتی بیشتر می‌خواهد به‌این اقدامات دست بزند، با واکنش منفی مردم روبه‌رو نشود.

شماره ۱۴

شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۷
شماره ۱۴۴۴

۱۴



آرشیو شماره ۱۴

به نام خلق، علیه مردم

منافقین با چه روش‌هایی افراد را مطیع و اراده‌شان را سلب می‌کردند؟



سیدحسین موسوی‌زاده پژوهشگر و استاد دانشگاه

همه فشارهای روحی و روانی بر آن‌ها، حاضر به جدایی از این سازمان نیستند؟ در این نوشتار درصددیم علاوه بر پاسخ به این پرسش‌ها به بررسی اقدامات سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از زمان تأسیس تا سال ۵۷ و نیز روندی که این سازمان را به یک فرقه تبدیل کرد، بپردازیم.

سنگ‌بنای سازمان منافقین

پس از قیام ۱۵ خرداد۱۳۴۲ و سرکوب هرگونه فعالیت مسالمت‌آمیز به دست رژیم پهلوی، سه نفر از جوانانی که سابقه نزدیکی به سران نهضت آزادی داشتند، به‌نام‌های سعید محسن، محمد حنیف نژاد و عبدالرضا نیک‌بین به این نتیجه‌رسیدند که دیگر روش‌های متداول فعالیت سیاسی تأثیری بر روند تصمیم‌گیری رژیم پهلوی ندارد و باید شیوه جدیدی برای مبارزه در نظر بگیرند. براین اساس، آن‌ها با ایجاد سازمان چریکی که بعدها عنوان سازمان مجاهدین خلق را برای آن برگزیدند، مبارزه مسلحانه را به‌عنوان

روایت دوست صمیمی حنیف نژاد: محمود (فیروز) طاهرزاده، از اعضای اولیه سازمان مجاهدین خلق، درباره حنیف نژاد می‌گوید: «او در سازمان می‌گفت که یک مجاهد مثل کوه یخ است و دیگران فقط نوک آن را که از آب بیرون است، می‌بینند واصلش آن بخشی است که دیده نمی‌شود. می‌گفت ما تشکیلاتی ایجاد می‌کنیم که به‌دوره‌برابر خودش هم حمله می‌کند وهرچه کتک بخورد، بیشتر حمله می‌کند. ما تنها تشکیلات مسلمانی را ایجاد می‌کنیم که قابل‌مقایسه با تشکیلات غیرمذهبی باشد.»(۳)

روایت محمد محمدی (گرگانی): این عضو سابق مجاهدین خلق، هم درباره این سازمان می‌گوید: «در تمام شماره و سرودهای سازمان یک عضو دائم به خودش درود می‌فرستد، سلام بر خودم. زنده باد خودم. من برترینم، من سکان تکاملم. به‌طور مکرر از این مسئله اظهار نگرانی می‌کردم که این غرور و کبر تشکیلاتی آفت بی‌طرفی و عدالت‌طلبی است. من ساده و شفاف احساس می‌کردم که سخت اسیر خودبینی و تکبر کودکانه تشکیلاتی شده‌ایم. وقتی این موضوع را به‌مسعود رجوی گفتم، او جواب داد که تلبور

خودمقدس‌پنداری منافقین

در سازمان‌هایی که ایدئولوژی الهام‌دهنده مبارزه آن‌ها از خارج سازمان می‌آید، ایمان اعضا با ایدئولوژی گره می‌خورد و این ایدئولوژی است که با روایت‌های مختلف خویش یک انقلابی را به‌یاد و یادکاری از یک طرف و به‌خشونت انقلابی از طرف دیگر می‌کشاند. در این نمونه‌های تپییک، ایمان و امید اعضا به‌پیروزی نهایی و رستگاری عمومی نه‌با سازمان بلکه به ایدئولوژی آن‌ها وابسته است. اما در سازمان مجاهدین خلق، خود سازمان تجلی تقدس و آرمان و ایدئولوژی بود. رابطه عضو سازمان با آرمان انقلابی، مشابه رابطه فرد کاتولیک با ایمان مسیحی بود. هیچ کاتولیک مؤمنی تصور رابطه مستقیم و خارج از کلیسا را با خداوند در تصور نمی‌آورد. عضو سازمان مجاهدین نیز رابطه‌ای به همین شکل

است و خدمت‌مدام قرار داد.

اگر کارنامه گروهک ترور یستی منافقین را از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون بررسی‌کنیم، متوجه می‌شویم همواره خیانت و وطن‌فروشی، بخش جدایی‌ناپذیر این سازمان محسوب می‌شده است. منافقین چه‌آن زمان

که سعادت‌ای اعضای مرکزی سازمان به‌جرم جاسوسی برای شوروی بازداشت شد و چه اکنون که در خدمت آمریکا و اسرائیل است، همیشه حفظ حیات خود را وابسته به‌خیانتی به‌کشور کرده است. براین اساس سازمان در دوران دفاع مقدس درحالی که کشور درگیر دفع تجاوز رژیم بعث بود، امکانات و نیروهای خود را برای ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی در خدمت صدام قرار داد.

استقرار نیروها در کردستان و همکاری با گروه‌های تجزیه‌طلب در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ اولین خیانتی بود که سازمان در قبال کشور انجام داد. درحالی‌که صدام و تجزیه‌طلب‌ها حفظ تمامیت ارضی



گروه رجوی در عملیات مرصاد شکست سختی خورد. ۷۰ درصد از نیروها و تجهیزات نظامی این گروه، در این عملیات از بین رفت - منابع عکس‌ها: مؤسسه تاریخ مطالعات معاصر ایران

زبان فرقه‌ای چیست؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که زبان فرقه‌ای در طیف تأثیراتش، برای انجام سه چیز به‌کار می‌رود: نخست، موجب می‌شود افراد احساس خاص بودن کنند. رگباری از توجه، کلمات پرآب‌وتاب الهام‌بخش و اینکه تو، به‌صرف بودن، برایت مقدر شده است که جزوی از آن گروه‌نخبگانی باشی که عازم پادشاهی خداوندند، برای بعضی افراد بی‌درنگ شبیه کلاهبرداری جلوه خواهد کرد و بعضی‌ها هیچ طمینی در آن نمی‌یابند، اما اندکی از افراد این تجربه دگرگون‌کننده را پیدا خواهند کرد و در آن‌ها ناگهان چیزی «روشن می‌شود». در یک لحظه، آنان خود را البریز از این حس می‌یابند که این گروه جواب آن‌هاست، اینکه دیگر نمی‌توانند برگردند. همه این‌ها یک باره رخ می‌دهد و همین است که موجب می‌شود یک نفر به‌این گروه‌ها «ملحق شود»، (۱)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که زبان فرقه‌ای در طیف تأثیراتش، برای انجام سه چیز به‌کار می‌رود: نخست، موجب می‌شود افراد احساس خاص بودن کنند. رگباری از توجه، کلمات پرآب‌وتاب الهام‌بخش و اینکه تو، به‌صرف بودن، برایت مقدر شده است که جزوی از آن گروه‌نخبگانی باشی که عازم پادشاهی خداوندند، برای بعضی افراد بی‌درنگ شبیه کلاهبرداری جلوه خواهد کرد و بعضی‌ها هیچ طمینی در آن نمی‌یابند، اما اندکی از افراد این تجربه دگرگون‌کننده را پیدا خواهند کرد و در آن‌ها ناگهان چیزی «روشن می‌شود». در یک لحظه، آنان خود را البریز از این حس می‌یابند که این گروه جواب آن‌هاست، اینکه دیگر نمی‌توانند برگردند. همه این‌ها یک باره رخ می‌دهد و همین است که موجب می‌شود یک نفر به‌این گروه‌ها «ملحق شود»، (۱)

هوس‌نوشیدن چای معطر، احساس مالکیت بر چیزی، راحت‌طلبی و خواب زیاد، دل‌بستن به چیزی که به‌کار تشکیلاتی لطمه می‌زد، این‌ها نمونه‌هایی از انتقادات جاری بود. اگر عضوی احساس عاطفی به‌بستگی‌اش نشان می‌داد و اگر یکی از یاران تشکیلاتی خوراکی خاصی را دوست می‌داشت، به‌شدت مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌گرفت. ازدیدگاه سازمان یک انقلابی فرد فولادینی بود که بر همه غرایز و عواطف خویش چیره شده و خودش را در اختیار سازمان قرار می‌داد.(۶)

احمد احمد، از اعضای سابق سازمان: او نیز روایت می‌کند که مجاهدین وقتی در خانه‌های تیمی روابط عاطفی افراد متأهل را می‌دیدند، سعی می‌کردند تا با انواع ترغندها این روابط را تضعیف کنند تا افراد فقط خود را در اختیار سازمان قرار دهند. او می‌گوید که فردی به‌نام پرویز در سازمان بود که به‌او گفته شده است تو به‌هسرت خیلی وابسته هستی، سپس به‌او دستور داده شده است تا با یکی از دختران سازمان دوست‌شود و این مسئله را به‌گونه‌ای جلوه دهد تا همسرش متوجه شود. همین اقدام سازمان سبب ازهم‌پاشیدن خانواده اوشد. سازمان این اقدام را انجام داد تا فقط خودش

منابع:

- آماندا مونتل، «زبان فرقه‌ای چیست؟»، ترجمه محمدابراهیم باسط، ترجمان علوم انسانی، شماره ۲۱، زمستان ۱۴۰۰، ص ۳۰.
- آماندا مونتل، همان ص ۳۱.
- محمود طاهرزاده (فیروز)، یک پیشوای بلامنازع بود، فصلنامه سیاست‌نامه، ش ۱۳ (زمستان ۱۳۹۸)، ص ۳۱۲.
- محمد محمدی (گرگانی)، «خطرات و تأملات در زندان شاه»، تهران، نشر نی، ۱۳۹۶، ص ۴۱۲.
- عباس علی‌قلی طایفه و احسان کیانی، نهضت آزادی ایران از تأسیس تا انشعاب، تهران، صمدیه، ۱۳۹۵، ص ۲۷۵.
- محسن نجات حسینی، «بر فراز خلیج فارس»، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰، صص ۵۷ و ۵۶.
- احمد احمد (به‌عنوان محسن کاظمی)، «خطرات احمد احمد»، تهران، انتشارات سوره مهر، چ چهاردهم، ۱۳۸۹، ص ۳۳۳.
- بهمن یازرگانی، «گفت‌وگوها: خاطرات و مقامات تحلیلی درباره سازمان مجاهدین خلق، جنبش چپ و انقلاب اسلامی»، به‌گوشش امیرحوشنگ افتخاری‌راد، تهران، نشر نی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳.
- بهمن یازرگانی، همان، ص ۱۳۲.
- احمدرضا کریمی، «رجوی بیش از حنیف به‌اسماعیلیه شبیه است»، فصلنامه سیاست‌نامه، ش ۱۳ (زمستان ۱۳۹۸)، صص ۲۹ و ۲۹۵.



یکی از زیدارهای مسعود رجوی با صدام حسین رئیس‌جمهور معمر عراق، صدام در قبال معرفی او به مجاهدین اجرت می‌داد

به ایران، زمینه‌های دریافت امتیاز توسط صدام از ایران در زمان پذیرش قطعه‌نامه رافراهم کند. هرچند این عملیات شکست سختی خورد، اما بعد از این سازمان ارتش آزادی بخش خود را برای سرکوب داخلی در خدمت صدام قرار داد.

در نهایت اینکه مرور حوادث دوران دفاع مقدس بدون بررسی خیانت‌های منافقین نظامی پذیر نیست. بررسی خیانت‌های منافقین در دوران دفاع مقدس به‌خوبی کمک می‌کند خوش خدمتی‌های این روزهای سازمان به رژیم‌هایی همچون آمریکا و اسرائیل بهتر درک شود.

او قرار داده بود، مستقر شد. در این زمان سازمان، نیروهای خود را به عراق منتقل کرد و با ایجاد ارتش آزادی بخش سعی کرد تا به‌صورت جنگ کلاسیک با جمهوری اسلامی مبارزه کند. سازمان بعد از دریافت کمک‌های مالی و نظامی از رژیم بعث سعی کرد علیه ایران در مناطق جنگی تحرکات نظامی انجام دهد، برای همین در اوایل سال ۷۷ به بعضی مواضع رزمندگان اسلام حمله کرد که البته در همه مواقع این حملات دفع شد. باین‌حال سرآمد این تحرکات و خوش خدمتی سازمان را می‌توان عملیات مرصاد دانست که در آن سعی کرد تا با حمله